الگـوها و اسوه ها

سيّد محمدرضا حسينى

خردمندان همواره از سيره بزرگان و تاريخ گذشتگان پند مى گيرند, زيراتدبر و تفكر در آن هاموجب تعالى انسان مى شود.چون انسان عمر دوباره اى ندارد,پس بايد از تجربه ديگران استفاده كند و در طول زندگى آن ها را به كار بندد.

مرد هنرمند هنر پيشه را

عمر دو بايست در اين روزگار

تا به يكى تجربه آرد به دست

با دگرى تجربه بندد به كار

زندگى مردان بزرگ كه نقش آفرين عرصه هاى كلامى, سياسى, اجتماعى, صنعتى و فرهنگى بوده اند, الگوى بسيار خوبى براى پويندگان راه تكامل است, زيرا الگوگيرى از اسوه ها و الگوها يكى از راه هاى رشد و تكامل و بالندگى انسان است.

در اين شماره به نمونه هايى از سيره فرزانگان اشاره مى كنيم.

تهجّد و شب زنده دارى

يكى از نزديكان امام مى گويد:(پنجاه سال است كه نماز شب امام خمينى ترك نشده است. امام در بيمارى, در صحت, در زندان, در خلاصى, در تبعيد, حتى بر روى تخت بيمارستان قلب هم نماز شب مى خواندند. امام در قم بيمار شدند, به دستور اطبا بايستى به تهران منتقل شوند, هوا بسيار سرد بود و برف مى باريد و يخبندان عجيبى در جاده ها وجود داشت, امام چندين ساعت در آمبولانس بودند, و پس از انتقال به بيمارستان قلب باز نماز شب خواندند. شبى كه از پاريس به سوى تهران مى آمدند, تمام افراد در هواپيما خوابيده بودند و تنها امام در طبقه بالاى هواپيما نماز شب مى خواندند… آثار اشك بر گونه هاى مبارك امام, حكايت از شب زنده دارى[مداوم] و گريه هاى نيمه شب وى دارد.1)

گـوهر پـاك ببـايـد كـه شـود قابـل فيض ورنه هر سنگ و گِلى لؤلؤ و مرجان نشود

(حافظ)

يكى از خصوصيات استاد مطهرى ـ رحمه الله ـ عنايت زياد ايشان, از دوران طلبگى تا آخر عمر, به تهجّد و شب زنده دارى بود. يكى از دوستان وى مى گويد: (از ويژگى هاى آن مرحوم, تقيد و علاقه مفرط ايشان به ذكر و دعا و شب بيدارى بود. به ياد دارم كه در همان اوايل آشنايى,او به نماز شب مقيد بود و و مرا نيز بدان تحريص مى كرد و من به بهانه اين كه حوض مدرسه, شور, كثيف, و براى چشمانم مضر است, از آن شانه خالى مى كردم تا اين كه شبى در خواب ديدم كه در خوابم و مردى مرا بيدار كرد و گفت: من عثمان بن حنيف, نماينده حضرت امير المؤمنين على(ع) مى باشم. آن حضرت به تو دستور داده نماز شب را به پا دار, و اين نامه را نيز آن حضرت براى تو فرستاده است. در آن نامه با حجم كوچكى كه داشت, با خط سبز روشن نوشته شده بود: هَذِهِ بَراءَةٌ لَكَ مِنَ النّار.

من در عالم خواب با توجه به فاصله زمانى حضرت على(ع) متحيرانه نشسته بودم كه ناگاه در همان حال تحيّر, مرحوم آية الله مطهرى مرا از خواب بيدار كرد و در حالى كه ظرف آبى در دست داشت, گفت: اين آب را از رودخانه تهيه كرده ام, برخيز و نماز شب بخوان و بهانه مجوى.)2

علامه سيد محمد حسين طباطبائى, صاحب تفسير الميزان, مى فرمايد: چون به نجف اشرف براى تحصيل مشرف شدم, از نقطه نظر قرابت و خويشاوندى, گاه گاهى به محضر مرحوم آية الله حاج ميرزا على آقا قاضى شرفياب مى شدم. تا اين كه يك روز جلو در مدرسه اى ايستاده بودم كه مرحوم قاضى از آن جا عبور مى كردند, چون به من رسيدند, دست خود را روى شانه من گذاردند و گفتند: (اى فرزند, دنيا را مى خواهى نماز شب بخوان, آخرت مى خواهى نماز شب بخوان). اين سخن آن قدر در من تاثير كرد كه از آن به بعد تا زمانى كه به ايران مراجعت كردم, پنج سال تمام در محضر قاضى روز و شب به سر مى بردم و آنى از ادراك فيض ايشان دريغ نمى كردم.3

, فرزند استاد شهيد مطهرى ـ رحمة اللّه ـ مى گويد:(آن شبى كه خبر ترور را شنيدم, همگى تا صبح بيدار بوديم. ساعت 5/2 بعد از نيمه شب بود كه زنگ ساعتى كه ايشان را مطابق معمول براى نماز شب بيدار مى كرد, به صدا در آمد; ولى ديگر او در قيد حيات نبود. او نماز شبش را در ميان خون مطهرش, زودتر از موعد در تاريكى خيابان خوانده بود.)4

قرائت قرآن و خواندن زيارت

علامه مجلسى اول ـ رحمه اللّه ـ در اجازه اى كه براى فرزندش ملا محمد باقر (صاحب بحار الأنوار) نوشته, او را به قرائت يك جزء قرآن در هر روز و مطالعه و تفكر در نامه اميرالمؤمنين(ع) به امام حسن(ع), كه در نهج البلاغه مسطور است, و عمل به آن, سفارش مى كند.5

, فرزند عزيزم, نور چشم مكرّم, آقاى على آقا مطهرى (وفقه الله لما يحبّ و يرضى) از خداوند متعال سلامت و موفقيت و حسن عاقبت تو را مسئلت دارم… فرزند عزيزم, دوستان و رفقايت, بالخصوص هم اتاقى هايت را از طرف من سلام برسان, اگر با هم به تهران آمديد, آن ها را به منزل بياور, موجب خوشحالى و مسرت ما است. در انتخاب دوست و رفيق فوق العاده دقيق باشيد كه مارهاى خوش خط و خال فراوان است. هم چنين در مطالعه كتاب هايى كه به دستت مى افتد, بر اطلاعات اسلامى و انسانيت بيفزا. اگر جلسات خوبى در تبريز هست شركت كن. اگر كتابى از اين دست لازم شد پيغام بده تا برايت بفرستم. حتى الامكان از تلاوت روزى يك حزب قرآن كه فقط پنج دقيقه طول مى كشد, مضايقه نكن و ثوابش را هديه روح مبارك حضرت رسول اكرم (ص) بنما كه موجب بركت عمر و موفقيت است. ان شاء الله. لازم به يادآورى است كه در انجام فرايض نهايت دقت را داشته باش.6

(در تمام مدت اقامت ايشان [امام خمينى] در نجف اشرف, جز موارد استثنايى, برنامه زيارت هر شب ايشان هرگز ترك نشد. در اغلب ايام زيارتى, در كنار قبر امام حسين (ع) بودند و در دهه عاشورا هر روز زيارت عاشوراى معروفه را با صد مرتبه سلام و صد مرتبه لعن مى خواندند. بيش از پنجاه سال است كه شايد كمتر اتفاق افتاده باشد كه فجر طالع شود و چشم امام در خواب باشد.7)

مقام معظم رهبرى حضرت آية الله خامنه اى ـ دامت بركاته ـ مى فرمايد: (ايشان [ شهيد مطهرى] هنگامى كه به مشهد مى آمدند, گاهى اوقات به منزل ما وارد مى شدند. اتاقى كه ايشان شب ها مى خوابيدند, با يك در, فاصله داشت با اتاقى كه من مى خوابيدم. ايشان هميشه وقت خواب مقيد بود به خواندن قرآن. صداى ايشان را شنيدم كه در هنگام تهجد و نماز شب خواندن, گريه مى كردند. البته نماز شب خوان زياد داريم, اما نماز شب خوانى كه در آن نيمه شب, با آن حال اشك بريزد و گريه كند, كم داريم. بعدها از دوستان قديمى ايشان و ديگران شنيديم كه ايشان از همان زمان طلبگى هم نماز شب مى خواند و اهل تهجد بوده است.)8

تواضع و فروتنى

خداوند صفات زيباى عباد الرحمن را در آياتى از قرآن كريم ترسيم كرده و تواضع را يكى از آن صفات به حساب آورده است: (وَ عِبَادُ الرَّحْمنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الأَرْضِ هَوْناً; بندگان صالح خدا كسانى هستند كه بر روى زمين با تواضع راه مى روند.9)

تواضع يكى از صفات بسيار مهم اخلاقى است كه اديان مختلف بر آن تاكيد دارند و پايه بسيارى از خلقيات انسانى به حساب مى آيد. از متون دينى بر مى آيد كه فروتنى سبب صعود انسان به درجات عالى مى شود. فروتنى و خاكسارى در برابر انسانِ فروتن و برترى جويى در برابر انسان متكبر, هر دو ارزش مند است. البته نبايد در تواضع زياده روى كرد و در مقابل هر كسى فروتنى كرد, زيرا ممكن است ديگران سوء استفاده كنند.

تواضع گر چه محمود است و فضل بى كران دارد

نشايد كرد بيش از حد كه هيبت را زيان دارد

يكى از نويسندگان معاصر در باره مقدس اردبيلى ـ رحمه اللّه ـ مى نويسد:(ملا احمد مقدس اردبيلى در سفر بود, يكى از زوّار كه او را نمى شناخت, به او گفت: جامه هاى مرا ببر نزديك آب و بشوى و چرك آن ها را بگير. ملا احمد قبول كرد و جامه هاى آن مرد را برد و شست و آورد تا به او بدهد. در اين هنگام آن مرد, ملا احمد را شناخت و خجالت كشيد, مردم نيز او را توبيخ كردند. مقدس اردبيلى فرمود: چرا او را ملامت مى كنيد؟… حقوق برادران مؤمن بر يكديگر بيش از اين هاست.)10

(اين مرد [علامه طباطبائى] جهانى از عظمت بود, عيناً مانند يك بچه طلبه در كنار صحن مدرسه روى زمين مى نشست و نزديك به غروب در مدرسه فيضيه مى آمد و چون نماز بر پا مى شد, مانند ساير طلاب نماز را به جماعتِ مرحوم آية الله آقاى حاج سيد محمد تقى خوانسارى مى خواند. آن قدر متواضع و مؤدّب و در حفظ آداب سعى بليغ داشت كه من كراراً خدمتشان عرض كردم: آخر اين درجه از آداب و ملاحظات شما, ما را بى ادب مى كند. شما را به خدا فكرى به حال ما كنيد!)11

از قول شهيد محراب آية الله اشرفى اصفهانى نوشته اند: (آية الله العظمى سيد محمد تقى خوانسارى به قدرى تواضع داشت كه مقيد بود به اين كه كسى در سلام از او سبقت نگيرد. وقتى براى درس گفتن به مدرسه مى آمد, سرش را پايين مى انداخت تا كسى جلوتر به او سلام نكند. يك مرتبه در مدرسه را باز مى كرد و به همه سلام مى داد.)12

مرحوم شهيد مطهرى در برابر زير دستان و مستخدمين, بى نهايت مهربان و متواضع بودند. ايشان بين خدمت گزاران و كارمندان جست و جو مى كردند كه چه كسى نياز فكرى و نياز مالى و مشكلات خانوادگى و غيره دارند و رفع كنند و به همه آن ها رسيدگى مى كرد. رفتار ايشان با دانشجويان آن قدر صميمى بود كه دانشجويان به استاد عشق مى ورزيدند و حالت مريد و مرادى داشتند و او را بهترين استاد مى دانستند.13

تهذيب و تزكيه نفس

نفـس را اول برو در بنـد كش

پس برو آهنگ وعظ و پند كن

(ملا احمد نراقى, ديوان طاقديس)

آنچه علماى اخلاق بر آن اذعان و تاكيد دارند اين است كه ارزش ها بر پايه تزكيه و تهذيب نفس استوار است, از اين رو تا دل آدمى از پليدى ها و آلودگى ها پاك نشود, معنا و مفهوم ارزش ها را درك نمى كند. اگر انسان صفات شيطانى و رذايل نفسانى را از خود دور نسازد, آن چنان در تنگنا قرار مى گيرد كه علم هم نمى تواند به او كمك كند و نجاتش دهد. كسى كه به تحصيل علم و دانش مشغول است, نبايد دنيا طلب و دنيا پرست باشد.

ملا صدرا مى گفت: (محال است كسى كه در صدد تحصيل مال مى باشد بتواند تحصيل علم نمايد. تحصيل مال دنيا و تحصيل علم, دو عمل متخالف است كه با هم قرين نمى شود. كسى كه در طول دراز مى شود, عرض و ضخامت او كم خواهد شد و به همين قياس كسى كه در صدد تحصيل مال مى باشد, گر چه ممكن است توانگر شود, اما به طور حتم از تحصيل علم باز مى ماند, و مالدارانى كه عالمِ جلوه مى كنند, متظاهر به علم و رياكار هستند.)14

پى نوشت ها:

1ـ فرازهائى از ابعاد روحى, اخلاقى و عرفانى امام خمينى, ص 20.

2ـ يادنامه استاد شهيد مطهرى, كتاب اول, ص 173.

3ـ سجاده عشق, ص 85.

4ـ رضا مختارى, سيماى فرزانگان, ص 230.

5ـ همان, ص 167.

6ـ نوشته استاد شهيد مطهرى خطاب به فرزندش, 16/ 12/56.

7ـ رضا مختارى, همان, ص 180.

8 ـ همان, ص 230.

9ـ فرقان (25) آيه 63.

10ـ همان, ص 295.

11ـ مهر تابان, ص 50.

12ـ رضا مختارى, همان, ص 307.

13ـ محمد حسين واثقى راد, مطهرى مطهر انديشه ها, ج 1, ص 364.

14ـ ملا صدرا, فيلسوف و متفكر بزرگ اسلامى, ص 18.